

۶. تدفین و رستاخیز مسیح

آخرین روز عیسی بر روی زمین

لینک ویدیوی یوتیوب با زیرنویس به ۶۴ زبان: <https://youtu.be/OSV2bnALI6w>

در هنگام مرگ عیسی چه اتفاقی افتاد؟

ما به مطالعه رنج و مرگ مسیح ادامه می‌دهیم و تمرکز ویژه‌ای بر وقایعی داریم که بر فراز صلیب رخ داد. در این بخش پایانی از مجموعه، رویدادهای معجزه‌آسایی را که بلافاصله پس از مصلوب شدن رخ داد، بررسی کرده و اهمیت آن‌ها را مورد بحث قرار خواهیم داد. همچنین خواهیم دید که چگونه نبوت‌های عهد عتیق با دقتی دقیق و صحت کامل به انجام رسید. خداوند پدر با دقت اطمینان حاصل کرد که هر جزئیاتی که به مرگ پسر محبوبش مربوط می‌شد، «همان‌طور که نوشته شده بود» به حقیقت بپیوندد.

در نیمروز، تاریکی سراسر سرزمین را فرا گرفت (متی ۲۷: ۴۵). این تاریکی کامل نبود، برخلاف تاریکی مصر پیش از آنکه خدا بنی‌اسرائیل را بیرون آورد (خروج ۱۰: ۲۱). کسانی که شاهد مرگ مسیح بودند، همچنان می‌توانستند روند ماجرا را ببینند. ترتیلیان، پدر کلیسای اولیه و نویسنده، این رویداد را در «آپولژیگم» خود—یک دفاع از مسیحیت که برای بی‌خدایان و امپراتوری روم در آن زمان نوشته شده بود—ذکر کرده است: «در لحظه مرگ مسیح، نور از خورشید رخت برپست و سرزمین در نیمروز تاریک شد، شگفتی‌ای که در سالنامه‌های خودتان ثبت شده و تا به امروز در بایگانی‌هایتان محفوظ مانده است.»

مطمئنم برخی با دل‌هایی امیدوار به تماشای مصلوب شدن پرداختند، زیرا باور داشتند که مرگ واقعاً رخ نخواهد داد. آنها گمان می‌کردند که ایلیا خواهد آمد (متی ۲۷: ۴۶) و اینکه عیسی به شکلی معجزه‌آسا از صلیب پایین خواهد آمد و منتقدان و دشمنانش را شرم‌نده خواهد کرد. آنها هنوز ضرورت مرگ مسیح را درک نکرده بودند. آمرزش گناه و زندگی نو تنها از طریق مرگ کفارهای عیسی برای قوم خدا ممکن بود. محبت و عدالت خدا ایجاب می‌کرد که بهای گناه پرداخت شود؛ بنابراین، عیسی باید به جای ما به عنوان باربر گناه بمیرد. بیایید ببینیم که حواری یوحنا چه مشاهده کرد:^۱

حال آنکه آن روز روز آماده‌سازی بود و فردا روز شنبه بزرگ بود. چون رؤسای یهود نمی‌خواستند اجساد در روز شنبه بر روی صلیب‌ها بمانند، از پیلاتوس خواستند که پاهایشان را بشکند و اجساد را پایین بیاورند.^{۳۲} از این رو، سربازان آمدند و پاهای اولین کسی را که با عیسی مصلوب شده بود شکستند، و سپس پاهای دیگری را.^{۳۳} اما وقتی به عیسی رسیدند و دیدند که او پیش از آن مرده است، پاهایش را نشکستند.^{۳۴} بلکه یکی از سپاهیان با نیزه پهلوی عیسی را شکافت و در همان ساعت خون و آب از او جاری شد.^{۳۵} آن کس که این را دیده است، شهادت داده و شهادتش درست است. او می‌داند که حقیقت را می‌گوید و شهادت می‌دهد تا شما نیز ایمان آورید.^{۳۶} این امور برای آن رخ داد تا کلام کتاب محقق شود: «هیچ استخوانی از او نخواهد شکست»،^{۳۷} و چنان‌که کلام دیگری می‌گوید: «آن کسی را که سوراخ کرده‌اند خواهند نگریست» (یوحنا ۱۹: ۳۱-۳۷).

پس از مرگ مسیح در ساعت ۳ بعد از ظهر، سبت ویژه عید فصح نزدیک می‌شد (روز جدید یهودی با غروب آفتاب آغاز می‌شود). سربازان رومی با پتک سنگینی پاهای دو دزد مصلوب را شکستند. این کار باعث مرگ سریع آنها شد زیرا دزدان دیگر نمی‌توانستند برای تنفس، پاهای خود را روی چوب زیر پایشان فشار دهند. مرگ به زودی به دلیل خفگی (کمبود هوا) رخ داد. وقتی سربازان به سراغ عیسی رسیدند، او از قبل مرده بود، بنابراین نیازی نبود که پاهایش را بشکنند. صدها سال قبل، کتب پیشگویی عهد عتیق این رویدادها را پیشگویی کرده بودند: «مرد صالح ممکن است مصیبت‌های زیادی را تجربه کند، اما خداوند او را از همه آنها نجات می‌دهد؛ او از همه استخوان‌هایش محافظت می‌کند، و حتی یکی از آنها نخواهد شکست» (مزمور ۱۹: ۲۰). کتاب مقدس همچنین حکم کرده بود که هنگام خوردن یا هضم بره فطیر توسط قوم یهود، استخوان‌های آن نشکند: «هیچ‌یک از استخوان‌هایش را نشکنید» (خروج ۱۲: ۴۶). در طول صدها سال، قوم یهود بره را در شب فطیر می‌خوردند، بی‌آنکه هرگز تصور کنند تجسم این بره نمادین، شخصیتی خواهد بود که دقیقاً برای تحقق پیشگویی‌ها می‌آید. جمعیت اورشلیم در ایام عید فصح به حداقل دو میلیون نفر می‌رسید، و در هر خانه حداقل ده نفر موظف بودند عید

¹ به نقل از جان مکارثور، قتل عیسی. نشر نلسون، ص. ۲۲۸.

فصح را بخورند. خداوند فرمان داد که بره کاملاً خورده شود (خروج ۱۰:۱۲). عیسی، بره خدا، باید درونی پذیرفته شود: «اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، یعنی به کسانی که به نام او ایمان آوردند، حق داد که فرزندان خدا شوند» (یوحنا ۱۲:۱).

در علم ازلی خداوند، او می‌دانست که برخی ادعا خواهند کرد که عیسی هرگز واقعاً نمرده است، بلکه بر روی صلیب بیهوش شده است. برای ردّ شک‌کنندگان، خداوند اجازه داد که یک سرباز رومی پهلوی عیسی را با نیزه‌اش بشکافد. یوحنا شهادت داد که از پهلوی او خون و آب جاری شد (یوحنا ۱۹:۳۴)، که این خود مدرک پزشکی است که اثبات می‌کند مرگ واقعاً رخ داده است.

دو علت اصلی مرگ بر اثر صلیب‌کشی وجود داشت: شوک هیپوولمیک و خفگی ناشی از خستگی. شوک هیپوولمیک زمانی رخ می‌دهد که حجم خون به طور خطرناکی پایین باشد. ضرب و شتم و شلاق‌های وحشیانه مسیح باعث شد تا او آنقدر خون از دست بدهد که برای حمل صلیب بسیار ضعیف شود. در شوک هیپوولمیک، فرد به دلیل افت فشار خون از هوش می‌رود. کلیه‌ها نیز برای حفظ مایعات بدن از کار می‌افتند که منجر به تشنگی شدید می‌شود، و آب در اطراف پریکار دیوم، کیسه اطراف قلب، جمع می‌شود. پیش از مرگ، تپش قلب سریع ناشی از کاهش حجم خون منجر به تجمع مایعات در کیسه اطراف قلب و ریه‌ها می‌شود. شهادت یوحنا مبنی بر اینکه آب و خونی که از زخم نیزه در پهلوی مسیح بیرون آمد، نشان‌دهنده وقوع مرگ است که با جدایی لخته از سرم اثبات می‌شود. همان‌طور که خداوند همسر را از پهلوی نخستین انسان، آدم، آفرید (پیدایش ۲:۲۲)، عروس مسیح نیز به طور نمادین از پهلوی آدم آخر، یعنی خداوند عیسی، برآمد.

رویدادهای ماوراءالطبیعی در هنگام مرگ عیسی

«و هنگامی که عیسی بار دیگر با فریاد بلند ناله کرد، روح خود را سپرد.^۱ در همان لحظه پرده معبد از بالا تا پایین به دو نیم شد. زمین لرزید، سنگ‌ها شکافتند^۲ و قبرها شکافته شدند. بدن بسیاری از مقدسین که مرده بودند، زنده شدند.^۳ پس از رستاخیز عیسی، آنها از قبرها بیرون آمدند و وارد شهر مقدس شدند و به بسیاری از مردم ظاهر گشتند.^۴ هنگامی که صدافسر و مأموران همراهش که نگهبان عیسی بودند، زمین‌لرزه و آنچه را رخ داده بود دیدند، به شدت هراسیدند و گفتند: «او به راستی پسر خدا بود!» (متی ۲۷: ۵۰-۵۴).

چه چیزی این مصلوب شدن را برای سربازان متفاوت کرد، تا آنجا که «آنها وحشت‌زده شدند؟» (متی ۲۷: ۵۴). درباره آنچه هنگام تماشا شاهد آن بودند و آنچه تجربه کردند بحث کنید.

تاریکی در نیمروز که سه ساعت به طول انجامید، نشانه‌ای شوم از وقوع یا آستانه وقوع حادثه‌ای هولناک بود. همه ما می‌دانیم زلزله چیست، اما متی به‌طور مشخص به شکافتن سنگ‌ها اشاره می‌کند (آیه ۵۱). این موضوع برای کسانی که مرگ عیسی مسیح را دیدند، چقدر نگران‌کننده بوده است. به نظر شما چرا متی به شکافتن سنگ‌ها اشاره می‌کند؟ اورشلیم بر زمینی بسیار سنگلاخی بنا شده و خاک کمی برای دفن مردگان دارد. اکثر قبرها از دل سنگ‌های اطراف کنده شده یا از سطح زمین ساخته شده و با لوحه، سنگ یا تخته سنگی مهر و موم می‌شوند. آیا این‌ها می‌توانند همان سنگ‌های شکافته شده‌ای باشند که متی به آن‌ها اشاره می‌کند؟ حاضران شاهد بودند که قبرهای مهر و موم شده در هم می‌شکستند و مردان و زنان پارسا برخاسته و راه می‌رفتند! ما نمی‌دانیم این افراد چه کسانی بودند، فقط می‌دانیم که آن‌ها مردان و زنان مقدسی بودند که مرده و دفن شده بودند. پولس رسول نوشت: «اما مسیح در حقیقت از مردگان برخاسته است، نخست‌میوه کسانی که خفته بودند» (اول قرنتیان ۱۵: ۲۰). عیسی نخست‌میوه کسانی بود که «خفته بودند». ما باید تا رسیدن به بهشت صبر کنیم تا تمام سوالات خود را در مورد این رویداد بپرسیم!

چه اتفاقی در معبد افتاد وقتی مسیح مرد؟

متی نوشت که هنگامی که عیسی روح خود را تسلیم کرد، رویدادی در معبد رخ داد. ابتدا بیابید تصور کنیم فضای داخلی معبد چگونه بوده است، و سپس به معنای آنچه برای این پرده رخ داد، خواهیم پرداخت.

ساختمان معبد از دو اتاق تشکیل شده بود که با پرده عظیمی از هم جدا شده بودند. اتاق اول «محل مقدس» و اتاق دوم، یعنی اتاق داخلی پشت پرده، «مقدس‌ترین مکان» یا «قدس‌الاقداص» نامیده می‌شد. در «محل مقدس»، به کاهنان اجازه داده می‌شد

تا با تجدید نان بر روی «میز نان حضور»، بخور بر روی «میز بخور» و روغن زیتون در چراغدان هفت شاخه، به کار خود بپردازند. پارچه‌ای عظیم به عرض سی فوت و ارتفاع سی فوت که به ضخامت دست انسان بود، کاهنان را از حضور خداوند جدا می‌کرد. آن سوی آن پرده، قدس‌القدس، جایگاه حضور خداوند قرار داشت. در معبد سلیمان، اتاق داخلی قدس‌القدس، تابوت عهد را در خود جای داده بود. این تابوت از چوب شمشاد ساخته شده و هم از داخل و هم از خارج با طلای خالص پوشانده شده بود. صندوق عهد حاوی لوحه‌های ده فرمان بود و با سرپوشی طلایی به نام «کرسی رحمت» آراسته شده بود. در دو سوی صندوق، دو فرشته طلایی به سمت کرسی رحمت خم شده بودند، به‌طوری‌که بال‌هایشان دو سوی اتاق را لمس می‌کرد (۱ پادشاهان ۶: ۲۳-۲۸).

بر روی کرسی رحمت، حضور آشکار خدا، یعنی جلال شکینا، به صورت ابر تجلی می‌یافت. «در آنجا، بر فراز پوشش میان دو کروی که بر تابوت عهد هستند، با تو دیدار خواهیم کرد» (خروج ۲۵: ۲۲). سالی یک بار، در روز کفاره، کاهن اعظم، تنها کسی که اجازه ورود به مقدس‌ترین مکان را داشت، از پرده عبور می‌کرد. او با طنابی که به مچ پای چپش بسته بود و ناقوسی بر لبه لباسش، با سینی زغال‌های داغ از مذبح بخور وارد محفل مقدس می‌شد و فضا را با ابر دودی و عطر بخور پر می‌کرد. او با انگشتانش خون قربانی کفاره را بر کرسی رحمت تابوت عهد می‌پاشید. آمادگی‌های نمادینی برای کاهن اعظم پیش از ورود به قدس‌القدس وجود داشت؛ اگر خود را به درستی آماده نمی‌کرد، ممکن بود بمیرد. با حرکت او، صدای زنگوله به کاهنان دیگر اطلاع می‌داد که کاهن اعظم هنوز زنده است، و طناب برای بیرون کشیدن او در صورت پذیرفته نشدن خون قربانی و مرگش به کار می‌رفت.

اگر کاهن اعظم بیرون می‌آمد، این نشان می‌داد که خون قربانی کفاره پذیرفته شده است. خداوند فرمود که با آن مرد در جایگاه رحمت دیدار خواهد کرد. پذیرفته شدن خونی که بر جایگاه رحمت پاشیده می‌شد، به مردم نشان می‌داد که گناهانشان پوشیده شده است. قوم خدا در حیاط معبد منتظر می‌ماندند تا کاهن اعظم بیرون بیاید و آن یک کلمه را بگوید: «آمرزیده شد.» وقتی مردم آن کلمه را می‌شنیدند، احساس آرامش می‌کردند و شادمان می‌شدند و گناهانشان آمرزیده می‌شد. این اتفاق هر سال در روز کفاره رخ می‌داد.

این یادآوری سالانه از ریختن خون برای آمرزش گناه، بخش مهمی از پرستش بنی‌اسرائیل بود. خدا از طریق این آیین می‌خواست چه چیزی را به آنها بیاموزد و نشان دهد؟

متی گزارش می‌دهد که در زمان مرگ مسیح، اتفاقی تکان‌دهنده در معبد رخ داد. حجاب معبد از بالا تا پایین دریده شد تا نشان دهد که این خدا بود، نه انسان، که پرده را درید. پدر نشان داد که از زمان مرگ فداکارانه‌ی مسیح، راه جدیدی برای نزدیک شدن به خدا معرفی شده است. دیگر تنها یک نفر نمی‌توانست وارد حضور خدا شود، بلکه اکنون همه مردان و زنان می‌توانستند از طریق کار به اتمام رسیده عیسی بر روی صلیب چنین کنند. جای تعجب نیست که کتاب اعمال رسولان می‌گوید «تعداد زیادی از کاهنان به ایمان گرویدند» (اعمال رسولان ۶: ۷). وقتی کاهنان دیدند که عیسی دقیقاً در لحظه‌ای که پرده دریده شد جان سپرد، بسیاری از اهمیت این واقعه شگفت‌زده شدند و کاهنان بسیاری به مسیح ایمان آوردند. خدا در حال تحقق بخشیدن به نبوت عهد جدید بود که توسط پیامبر (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴) گفته شده بود.

مراسم خاکسپاری عیسی

با غروب آفتاب، خداوند به مرد ثروتمندی الهام بخشید تا عیسی را به خاک بسپارد. بیابید بیشتر بخوانیم:

۳۸ بعداً، یوسف از اریتمیه از پیلاتوس خواست تا جسد عیسی را به او بدهد. حال یوسف شاگرد عیسی بود، اما مخفیانه، زیرا از رهبران یهود می‌ترسید. با اجازه پیلاتوس، او آمد و جسد را برداشت. ۳۹ نکودیموس، همان مردی که قبلاً شبانه به عیسی سر زده بود، نیز همراه او بود. نکودیموس مخلوطی از مشک و عنبر به وزن حدود هفتاد و پنج پوند آورد. آن دو، جسد عیسی را برداشتند و با آن ادویه‌ها، آن را در پارچه‌های کتان پیچیدند. این کار مطابق با آیین تدفین یهودیان بود. ۴۰ در مکانی که عیسی را مصلوب کردند، باغی بود و در آن باغ قبر جدیدی که هیچ‌کس تا آن زمان در آن دفن نشده بود. ۴۱ چون روز عید فصح یهودیان بود و قبر نزدیک بود، عیسی را در آنجا گذاشتند (یوحنا ۱۹: ۳۸-۴۲).

رهبران یهودیان قصد داشتند به فرمان کتاب تثنیه ۲۱:۲۳ عمل کنند که می‌گوید جسد نباید تا صبح آویزان بماند. از این رو، آنها نزد پیلاتوس رفتند و از او خواستند که مرگ آن سه نفر را پیش از غروب آفتاب و آغاز عید فصح تسریع کند (یوحنا ۱۹:۳۱). در حالی که رهبران مشتاق پیروی از قوانین جزئی کتاب مقدس بودند، آنها به تازگی بزرگترین جنایت تاریخ را مرتکب شده بودند: رد و قتل پسر خدا. گناهی بزرگتر از رد مسیح وجود ندارد.

دو مؤمن مخفی، یوسف از اریمثیا و نیکودیموس، که هر دو از اعضای سنهدرین بودند، برای گرمی‌داشت عیسی در مرگش از مخفیگاه خود بیرون آمدند. آنها بدن را از پیلاتوس درخواست کردند و طبق آداب تدفین یهودیان، مقدار زیادی مر و بلسان خریدند و شروع به پیچیدن بدن با هفتاد و پنج پوند ادویه تدفین کردند. مر، یک صمغ خوشبو و چسبناک، توسط مصریان برای مومیایی کردن استفاده می‌شد. یهودیان آن را به صورت پودر استفاده می‌کردند و با کندر و چوب صندل معطر مخلوط می‌نمودند. این مخلوط سفت می‌شد و پوششی پبله مانند دور بدن ایجاد می‌کرد.

نیکودیموس و یوسف آرimatea ضرورت تدفین محترمانه عیسی را به جای رها کردن او در مکانی که رهبران شهر تعیین کرده بودند، تشخیص دادند، به‌ویژه با توجه به اینکه شنبه تنها سه ساعت پس از مرگ او آغاز می‌شد. یوحنا تنها شاگردی است که به کمک نیکودیموس به یوسف آرimatea در دفن عیسی اشاره می‌کند. تا آن لحظه، هر دوی آنها مؤمنانی مخفی بودند، شاید احساس می‌کردند باید غفلت قبلی خود از عیسی یا تردیدشان در حمایت علنی از او در طول زندگی‌اش را جبران کنند.

مقدار ادویه‌های به‌کاررفته بسیار مجلل بود—به اندازه‌ای که برای تدفین یک پادشاه کافی بود، و این امر نمادین نیز هست زیرا عیسی پادشاه پادشاهان است. نیکودیموس ۱۰۰ لیتر، یا حدود ۷۵ پوند، مرهم معطر ساخته‌شده از مر و صمغ آلونهورا آورد. این مرهم بسیار گران‌قیمت بود. در مجموع، می‌دانیم که خداوند پدر بر هر جزئی از جزئیات مرگ و تدفین پسرش نظارت داشت. حتی تدفین عیسی نیز نبوت را محقق ساخت؛ رهبران نقشه کشیدند که او را در گورستان عمومی با دزدان به خاک بسپارند، اما خدا قبر یک مرد ثروتمند را برای او آماده کرده بود.

او در مرگش در گوری با شریران و با ثروتمندان قرار گرفت، هر چند خوشنونی نکرده و فریب در دهانش نبود (اشعیا ۵۳: ۹).

این دو مرد توسط چندین زن که از جلیل با عیسی و حواریون سفر کرده بودند، همراهی می‌شدند (لوقا ۲۳: ۵۵). آنها دیدند که قبر کجاست تا بتوانند پس از روز شنبه با ادویه‌ها و عطرها ی بیشتری بازگردند. مریل تنی، در کتاب خود «واقعیت رستاخیز»، روش‌های معمول تدفین را توصیف می‌کند.

بدن را معمولاً می‌شستند و صاف می‌کردند و سپس با نوارهای کتان به عرض حدود یک فوت (۳۰ سانتی‌متر) از زیر بغل تا مچ پا محکم می‌بستند. ادویه‌های معطر، که اغلب به شکل صمغی بودند، بین پیچیده‌ها یا چین‌ها قرار داده می‌شدند. این مواد مانند چسب عمل می‌کردند تا پیچیده‌های پارچه‌ای را به یک پوشش جامد بچسبانند. هنگامی که بدن به این شکل پیچیده می‌شد، یک تکه پارچه مربعی‌شکل دور سر پیچیده و زیر چانه بسته می‌شد تا فک پایین از افتادگی جلوگیری شود.^۲

متی نوشت که عیسی در یک قبر جدید کنده‌شده از سنگ قرار داده شد. این قبر که در نزدیکی گولگوتا بود، متعلق به یوسف آرimatea بود و متی اشاره می‌کند که او ثروتمند بود (متی ۲۷: ۵۷). قبرهایی مانند این که به اندازه‌ای بزرگ بودند که شخص بتواند داخل آن بایستد، برای مردان ثروتمند رایج بود. متی همچنین ذکر می‌کند که سنگی سنگین بر دهانه قبر غلتانده شد. کاهنان اعظم و بزرگان یهود سپس از پیلاتوس خواستند تا نگهبانان چهار سرباز رومی را برای مراقبت از قبر مستقر کنند. آنها نگران بودند که برخی از شاگردان مسیح ممکن است جسد را بدزدند و ادعا کنند که مسیح از مردگان برخاسته است. برای جلوگیری از این امر، در سنگی قبر مهر و موم شد (متی ۲۷: ۶۰-۶۶). سنگ‌هایی با وزنی بیش از یک تن به شکل سکه‌ای تراشیده می‌شدند که شیاری برای عبور غلتیدن در سنگی روی ورودی قبر داشت.

^۲ مریل سی. تنی. واقعیت رستاخیز. نیویورک، نیویورک. انتشارات هارپر اند رو، ۱۹۶۳، ص. ۱۱۷.

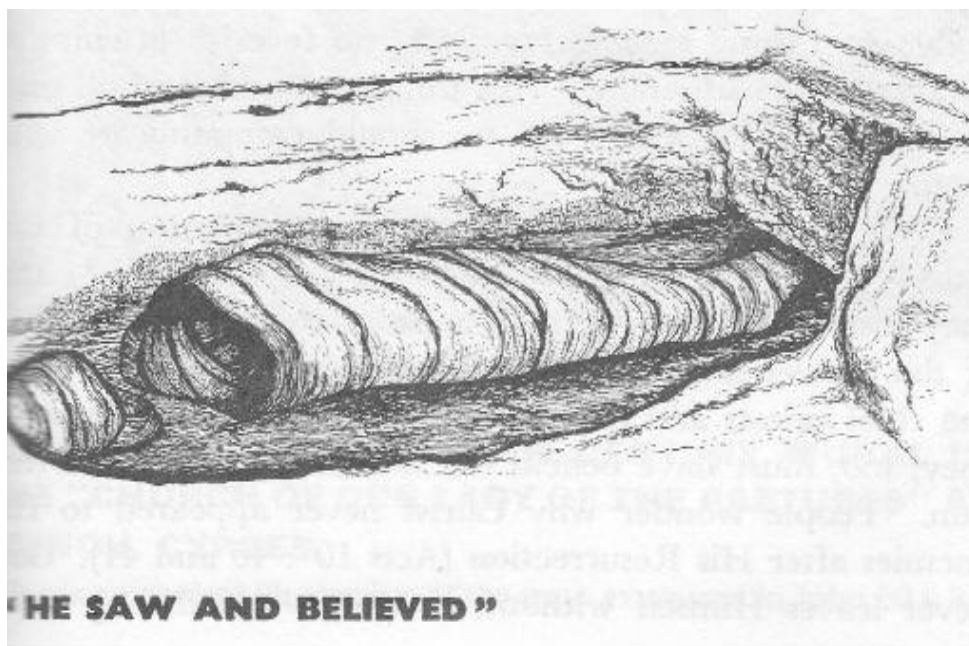
چرا رهبران یهودی نزد پیلاتوس رفتند تا نگهبانان رومی را برای اطراف قبر درخواست کنند؟ چرا آنها برای این کار از افراد خودشان استفاده نکردند؟ ممکن است به این دلیل بوده باشد که آنها متوجه شدند یافتن یهودیان داوطلب برای نگهبانی از جسد دشوار خواهد بود، زیرا همه آنها در حال آماده شدن برای صرف شام عید فصح با خانواده‌هایشان بودند. همچنین، با توجه به آموزش‌های گسترده‌ای که دیده بودند، اقتدار سربازان رومی اعتبار بیشتری داشت. سربازان می‌دانستند که اگر هر یک از آنها زندانی‌اش را از دست بدهد، جان‌شان در خطر است. در کتاب اعمال رسولان، می‌خوانیم که پطرس رسول با چهار دسته چهار نفره از سربازان زندانی شد. هنگامی که فرشته‌ای او را آزاد کرد، هیروُدس تمام شانزده نگهبان رومی را به دلیل از دست دادن زندانی‌شان اعدام کرد (اعمال رسولان ۱۲: ۴-۱۹).

حال بیابید در اناجیل یوحنا به فصل ۲۰ پیش برویم:

«صبح زود روز اول هفته، در حالی که هنوز تاریک بود، مریم مجدلیه به قبر آمد و دید که سنگ از دهانه قبر برداشته شده است. پس او با دویدن نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر، کسی که عیسی او را دوست داشت، آمد و گفت: «آنها خداوند را از قبر بیرون برده‌اند و نمی‌دانیم او را کجا گذاشته‌اند!»^۳ پس شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر به سوی قبر روانه شدند. هر دو می‌دویدند، اما آن شاگرد دیگر از پطرس پیشی گرفت و زودتر به قبر رسید. خم شد و پارچه‌های کتان را که آنجا افتاده بودند دید، اما داخل نشد. سپس شمعون پطرس که پشت سر او آمده بود، مستقیم وارد قبر شد. او پارچه‌های کتان را که آنجا افتاده بودند و همچنین پارچه‌ای را که دور سر عیسی پیچیده بود، دید. آن پارچه هنوز در جای خود، جدا از کتان، باقی مانده بود. «سرانجام آن شاگرد دیگر که اول به قبر رسیده بود، او نیز داخل شد. او دید و ایمان آورد. (آنها هنوز از کتاب مقدس درک نکرده بودند که عیسی باید از مردگان برخیزد.) (یوحنا ۲۰: ۹-۱۰).

به نظر شما یوحنا چه چیزی دید که او را قانع کرد عیسی زنده است؟ (آیه ۸).

وقتی شاگردان برای اولین بار در مورد برداشتن سنگ قبر شنیدند، گمان کردند که جسد عیسی دزدیده شده است. مریم مجدلیه به پطرس و یوحنا گفت: «آنها خداوند را از قبر بیرون برده‌اند و نمی‌دانیم او را کجا گذاشته‌اند!» (یوحنا ۲۰: ۲). یوحنا و پطرس به قبر دویدند و کتاب مقدس می‌گوید که وقتی یوحنا وارد قبر خالی شد، ایمان آورد. برای ما این سؤال باقی می‌ماند که او چه دید که قانع شد عیسی از مردگان برخاسته است. وقتی او لباس‌های تدفین را دید، باوری عمیق در قلبش ریشه دواند.



تصور می‌کنم این پیچیده‌ها احتمالاً به دلیل کندر، آلوده‌ها و ادویه‌ها سفت شده بودند. بدن از میان این پیچیده‌ها عبور کرده بود و چیزی را ایجاد کرده بود که می‌توان آن را «پيله‌ای از پارچه و ادویه‌ها» توصیف کرد. به باور من، این همان پیچیده‌های دست‌نخورده‌ای بود که یوحنا دید و او را متقاعد کرد که عیسی زنده است. جالب است که در نظر بگیریم وقتی مریم مجدلیه سرانجام به قبر بازگشت و وارد شد، دو فرشته را دید، یکی در سمت سر و دیگری در سمت پاهای جایی که بدن عیسی در آن قرار داشت:

«حالا مریم بیرون قبر ایستاده بود و گریه می‌کرد. در حالی که می‌گریست، خم شد تا داخل قبر را نگاه کند»^{۱۰} و دو فرشته سفیدپوش را دید که نشسته بودند همان‌جا که بدن عیسی قرار داشت، یکی در سر و دیگری در پا (یوحنا ۱۱: ۲۰-۱۲).

چه نمادین از حرم اقدس، جایی که دو فرشته در دو سوی کرسی رحمت ایستاده بودند! در همان نقطه‌ای که بدن مسیح قرار داشت، اکنون دو فرشته نگهبان در سر و پای کتان‌های تدفین حضور دارند. قبر او اکنون نماد خود کرسی رحمت خداست! همچنین نمادین است که او در نوارهای کتان سفید پیچیده شده بود، که نشانگر کاهن‌تایی اعظم و پاکی است، ما را در پیشگاه پدر نمایندگی می‌کند و خون خود را برای کفاره گناهان ما عرضه می‌نماید.

چرا جزئیات اینقدر زیاد است؟

برخی از شکاکان ادعا می‌کنند که عیسی بر صلیب نمرده؛ بلکه صرفاً غش کرد و بعداً به هوش آمد. بیا باید این موضوع را بررسی کنیم. پهلوی مسیح با نیزه سوراخ شد که باعث شد خون و آب از پهلوی او جاری شود، نشانه‌ای از مرگ. بدن او با هفتاد و پنج پوند ادویه پیچیده شد و به مدت سه روز در یک قبر سرد، بدون غذا و آب، مهر و موم شد، در حالی که گروهی از سربازان رومی بیرون قبر نگهبانی می‌دادند. باور اینکه او مرده نبوده و فقط سنگ قبر را کنار زده و از کنار نگهبانان عبور کرده است، غیرمنطقی است. چگونه ممکن است عیسی از تمام این ماجراها جان سالم به در برده باشد؟

ایده اینکه دشمنان او جسد را دزدیده‌اند نیز به همان اندازه مضحک است. آنها نمی‌خواستند پیروان مسیح ادعا کنند که عیسی از مردگان برخاسته و بنابراین الهی است. متی نوشت که رهبران یهودی برای رد کردن رستاخیز تلاش کردند و گفتند که شاگردان جسد را دزدیده‌اند و به سربازان رومی پول دادند تا از این داستان حمایت کنند (متی ۲۸: ۱۱-۱۵). هیچ‌یک از اظهارات رهبران هرگز وجود قبر خالی را انکار نکرد. نظریه «دزدیده شدن جسد» آنها به خالی بودن قبر اذعان داشت. حواریون او نیز دلیلی برای دزدیدن جسد نداشتند، زیرا پس از مرگ او در غم و اندوه فرو رفته بودند. پس از مرگ مسیح، آنها از ترس آزار و اذیت پنهان شدند. علاوه بر این، می‌دانیم که اکثر آنها رنج کشیدند و برای ایمان خود جان باختند، و معنقد بودند که عیسی واقعاً همان کسی بود که ادعا می‌کرد، یعنی پسر خدا. چرا آنها باید جان خود را برای چیزی فدا می‌کردند که اگر جسد را دزدیده بودند، می‌دانستند دروغ است؟ علاوه بر این، در چهل روز پس از رستاخیز، ظهورهای متعددی از خداوند عیسی رخ داد، مانند ظهور برای پانصد نفر به طور همزمان، و برخی از آنها زمانی که پولس در این مورد می‌نوشت هنوز زنده بودند (اول قرن‌تین ۱۵: ۶).

منتقدان دیگر استدلال می‌کنند که زنان به قبر اشتباه رفتند، اما نگهبانان در زمین کز کرده بودند (متی ۲۸: ۴). سربازان رومی به اشتباه کردن شهرت نداشتند. نویسندگان اناجیل به تفصیل به رستاخیز مسیح می‌پردازند زیرا هسته داستان انجیل به این رویداد بستگی دارد. اگر رستاخیزی در کار نباشد، نه امیدی هست و نه زندگی پس از مرگ. واقعیت این است که بسیاری از پیروان او به شهادت رسیدند زیرا قانع شده بودند که مسیح زنده است. حتی حواریون عیسی نیز سردرگم و ترسیده بودند. اگر او، که بیماران را شفا داده و مردگان را به زندگی بازگردانده بود، نتوانست خود را نجات دهد، چگونه می‌توانست آنها را نجات دهد؟ هنگامی که متوجه شدند او از مردگان برخاسته است، تاریخ و سنت می‌گویند که بسیاری از حواریون با شجاعت و سرشار از روح‌القدس به شهادت خود ادامه دادند تا اینکه با مرگ باشکوه خود روبرو شدند. جان فاکس کتابی نوشت که امروزه با عنوان «کتاب شهدای فاکس» شناخته می‌شود. این کتاب در سال ۱۵۶۳ با عنوان «اعمال و یادبودهای این روزگار واپسین و خطرناک» منتشر شد. او در این کتاب، حقایقی را درباره مرگ بسیاری از حواریون، چنان‌که در تاریخ و سنت کلیسای قدیسان () روایت شده، ثبت می‌کند. در اینجا به برخی از جزئیاتی که او در کتاب خود در مورد روزهای پایانی حواریون کلیسای اولیه ارائه می‌دهد، اشاره می‌شود:

یعقوب، برادر یوحنا، اولین تن از دوازده حواری بود که شهید شد و گفته می‌شود به دستور هیروُدس آگریپا اول، پادشاه یهودیه، گردن زده شد. حواری فیلیپ شلاق زده شد، به زندان افکنده شد و سپس به صلیب کشیده شد. گفته می‌شود مرقس در خیابان‌های اسکندریه کشانده شد تا اینکه پس از آنکه علیه آیینی برای بتشان، سرپیس، سخن گفت، تکه‌تکه شد. پطرس به دلیل امتناع از کشته شدن به همان شیوه‌ای که پروردگارش کشته شده بود، چون خود را شایسته همان مرگ نمی‌دانست، به صورت وارونه به صلیب کشیده شد. گفته می‌شود یعقوب کوچک‌تر (برادر عیسی) سنگسار شده است، اما برخی روایت‌ها بیان می‌کنند که ابتدا از برج معبد به پایین پرتاب شده و سپس سرش کوبیده شده است. اندریاس، برادر پطرس، برای بسیاری از کشورهای آسیایی موعظه کرد و بر روی صلیبی به شکل حرف X مصلوب شد که به صلیب سنت اندریاس معروف شد. اطلاعات کمی در مورد زندگی بعدی متی وجود دارد، اما برخی نوشته‌ها می‌گویند که او در اثیوپی به زمین می‌خکوب و سر بریده شد. متیاس در اورشلیم سنگسار و سپس سر بریده شد. یهوذا، برادر یعقوب، در ادسا در بین‌النهرین مصلوب شد. بر اساس روایت‌ها، برتولما به هند شرقی رفت تا در آنجا موعظه کند و در آنجا مصلوب شد. توما انجیل را در پارس، پارت و هند موعظه کرد. در کالامینا، هند، او شکنجه شد، با نیزه سوراخ شد و در کوره انداخته شد. ما نمی‌دانیم چه بر سر لوقا آمد. برخی می‌گویند او از یک درخت زیتون آویزان شد و روایت‌های دیگر بیان می‌کنند که او در سن پیری درگذشت. حواری یوحنا در افسوس دستگیر و به رم فرستاده شد، جایی که او را در ظرفی از روغن جوشان قرار دادند که او را نکشت. سپس او به جزیره پاتموس تبعید شد و در آنجا کتاب مکاشفه را نوشت. پس از آزادی از پاتموس، او به افسوس بازگشت و حدود سال ۹۸ میلادی درگذشت.³

پس از بررسی شهادت‌ها درباره مرگشان، آیا فکر می‌کنید ممکن است شاگردان جان خود را برای دروغی فدا کرده باشند؟ هر آنچه پس از مصلوب شدن تجربه کردند، شور و اشتیاقی در دلشان برانگیخت که با وجود آزار و سختی‌ها، به انتشار انجیل و بازگو کردن مکرر اعمال عیسی ادامه دادند. از شما می‌خواهم به این موضوع بیندیشید: اگر عیسی خداست و دوباره برخاسته است، پاسخ ما به او چیست؟ این موضوع چه تأثیری بر زندگی ما دارد؟ اگر باور داریم که او واقعاً برخاسته است، پس باید پاسخ فردی به ادعاهای او بدهیم. هر یک از ما باید تصمیم بگیریم که آیا مسیح پادشاه ماست یا خیر.

دعا: در مورد دعا، هر یک از شما را تشویق می‌کنم که دعای خود را به درگاه پدر بسازید. از او برای محبتش به شما سپاسگزاری کنید، و اگر تا به حال زندگی خود را با تمام وجود به او سپرده نیستید، هیچ روزی بهتر از امروز برای این کار نیست (عبرانیان ۳: ۱۵). اگر به اطلاعات بیشتری در مورد چگونگی درست کردن زندگی‌تان با خدا نیاز دارید، می‌توانید مطالعه زیر را در لینک مربوطه بخوانید: [چگونه مسیحی شوم؟](#)

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>

³ کتاب جدید شهادت فاکس، جان فاکس. به‌روزرسانی‌شده توسط هارولد جی. چادویک.